



شلمچه

بستر تحولات جنگ تحمیلی

دکتر حسین اردستانی

منطقه شلمچه، در دوران دفاع مقدس از شهریور سال ۱۳۵۹ تا خرداد ۱۳۶۷ کانون تحولات جنگ تحمیلی و نقطه ثقل توازن و یا عدم توازن جنگ برای جمهوری اسلامی ایران و جمهوری عراق بوده است. شلمچه در غرب خرمشهر و نقطه مرزی ایران با عراق و از سوی دیگر در شرق بصره واقع شده است. اهمیت این زمین به دلیل وجود شهرهای آبادان و خرمشهر و چاه‌های نفت در طرف ایران و نیز منطقه نفت خیر بصره به عنوان مرکز استان، در طرف عراق می‌باشد. شهرهای مورد اشاره، اهداف مهمی به لحاظ نظامی، سیاسی و اقتصادی می‌باشند که تصرف و تسلط بر آنها می‌تواند برتری کشور مهاجم و تحمیل اراده آن به طرف دیگر را در پی داشته باشد. از این رو، شلمچه در راهبرد نظامی و عملیاتی عراق و ایران دارای جایگاه حیاتی بوده و در طول دوران دفاع مقدس، از نقش تعیین‌کنندگی برخوردار بوده است.

شلمچه از شروع تجاوز عراق تا برقراری آتش‌بس در مرداد ۱۳۶۷ شاهد هفت رویداد بزرگ بوده که از سایر حوادث و تحولات جنگ تحمیلی، متمایز می‌باشند.

(۱) ورود عراق از شلمچه به محور خرمشهر و آبادان: عراق در جریان تجاوز به ایران، مهم‌ترین اهداف خود را در شهرهای خرمشهر و آبادان تعریف کرد. ارتش عراق پس از خرمشهر در صدد رسیدن به ساحل شرقی اروند رود بود تا یکی از بزرگ‌ترین اهداف خود از حمله به ایران را تحقق بخشد. رسیدن به ساحل شرقی اروند به معنای ایجاد پشتوانه برای تغییر در معاهده ۱۹۷۵ بود که در آن، حق حاکمیت به ساحل شرقی به ایران داده شد و بر خلاف توافق «سنتو» که ساحل شرقی از آن عراق بود، خط تالوگ را به عنوان مرز میان دو کشور تصویب نمود. ارتش عراق برای این هدف کلیدی، پس از عبور از شلمچه وارد خرمشهر شد که پس از تصرف آسان این شهر، وارد آبادان شده و در شرق اروند خط دفاعی تشکیل دهد و از طریق احداث پل بر روی رودخانه

اروند، غرب و شرق رودخانه به هم متصل نماید. اما مقاومت اقوام ایرانی در خرمشهر، به خصوص مقاومت جوانان و مردم عرب زبان این شهر و ناتوانی در اشغال شهر، عراق را وادار کرد با عبور از کارون و پشت سر گذاردن جاده‌های آبادان - اهواز و آبادان - ماهشهر، خود را به پشت رودخانه بهمن‌شیر برساند. نیروهای عراق از بهمن‌شیر نیز عبور کرده و در حالی که تا رسیدن به حاشیه اروند فاصله زیادی نداشتند، به دلیل جنگ تن به تن در نخلستان‌های بهمن‌شیر، متوقف شدند و با عقب‌نشینی به پشت بهمن‌شیر و سپس در پشت جاده قفاص، خط دفاعی اتخاذ کردند.

۲) در سال ۱۳۶۱ و فتح خرمشهر: نیروهای رزمنده ایران، پس از چهار مرحله جنگ تمام عیار، خود را روی جاده خرمشهر - اهواز، در آستانه آزادسازی خرمشهر و نیز امکان چرخش به سمت شلمچه قرار دادند و عراق با نگرانی از فلش احتمالی ایران به سمت شلمچه و شرق بصره، لشکرهای ۵۰۹ خود را از محور هویزه و طلائیه به محور شلمچه منتقل کرد تا از حمله احتمالی ایران جلوگیری کند، اما فرماندهان و رزمندگان ایران با اولویت دادن به آزادی خرمشهر، از چرخش به سمت شرق بصره خودداری کرده و آن را به عملیات بعدی موکول کردند.

۳) عملیات رمضان: پس از فتح خرمشهر، موازنه جنگ به شدت به ضرر عراق تغییر یافت و دستاوردهای قبلی آن در این محور، به کلی از دست رفت و رژیم بعث، هم و غم خود را حفظ و ممانعت از فروپاشی قرارداد؛ زیرا در عملیات بیت‌المقدس، عراق ۱۸۰۰۰ نفر اسیر و حدود ۱۷۰۰۰ نفر کشته و زخمی داد. با احتساب همین مقدار تلفات در عملیات فتح‌المبین که حدود ۴۵ روز قبل صورت گرفته بود، ارتش عراق قادر به کنترل رزمندگان ایران نبود و نگرانی از سقوط، رهبران بعث را فرا گرفت. در این شرایط، ایران توان خود را در شلمچه متمرکز کرد و با هدف پیشروی تا شرق اروند رود، و ایجاد خط دفاعی در پشت آن، عملیات رمضان را آغاز کرد. در حالی که خط دفاعی عراق شکست و رزمندگان تا پشت نهر کتیبان پیشروی کردند، اما کم‌توجهی به جناح شمالی عملیات و تحول در زمین صحنه نبرد و برخی عوامل دیگر باعث شد ایران نتواند به اهداف خود دست یابد و نوار پیروزی‌ها پاره شد و عراق از کابوس سقوط گریخت.

۴) مسلح کردن زمین شلمچه: پس از عدم الفتح عملیات رمضان، عراق به راهبرد نظامی ایران و نیز به مرکز ثقل جغرافیایی نبرد در این استراتژی پی‌برد و فرماندهان عراقی، دریافتند با آنکه در عملیات رمضان خطر از بیخ گوش آنها گذشته، اما تهدید و حمله آینده ایران پابرجاست و باید برای آن تدابیر لازم را اتخاذ نمایند. مهمترین تصمیمات ارتش عراق در شلمچه و شرق بصره بر تشکیل سپاه جدید برای این منطقه و نیز ایجاد استحکامات و موانع و تشکیل خط‌های دفاعی چند لایه متمرکز گردید. ارتش عراق با کمک شرکت‌های خارجی، زمین شلمچه را در سطح وسیع دگرگون کرد و انواع و اشکال اقدامات مهندسی را انجام داد. رها کردن آب، ایجاد موانع، میدان‌های مین، کمین و ... تدابیری بود که عراق برای بازداشتن ایران از حمله و در صورت حمله، توانایی شکست دادن آن، به کار بست. قبل از رسیدن به خط دفاعی، آب و کمین، امکان حمله را از نیروهای مهاجم سلب می‌کرد، بعد از آن، موانع بزرگ و وسیع و سپس اولین خط دفاعی احداث شده بود. این خط، دژی به ارتفاع ۴ متر و عرض ۱۵ متر بود. در میان دژ و در طول آن، کانالی وجود داشت که در یک سمت آن سنگ‌های بتونی و در سمت مقابل آن، سنگ‌های دیده‌بانی و

تیربار و مهمات آماده و سنگرهای تانک تعبیه شده بود که موجب تسلط دشمن بر منطقه مقابل شلمچه می‌گردید. پشت خط اول، چند موضع هلالی‌شکل احداث شده بود که قطر هر یک به ۳۰۰ الی ۴۰۰ متر و ارتفاع آن به ۵ تا ۶ متر می‌رسید. سطح فوقانی دژهای هلالی‌شکل، سه متر عرض داشتند که در آن کانال موصلاتی برای تردد نیرو، مواضع تیربار و سکوهای تانک قرار داشت. در پشت مواضع هلالی با توجه به احداث جاده برای تردد و استقرار تانک، تانک می‌توانست با قرار گرفتن روی مواضع مشخص شده، کل منطقه درگیری را در محدوده خود زیر پوشش گلوله مستقیم و تیربار قرار دهد. دومین خط دشمن به فاصله ۱۰۰ متر از خط اول و به موازات آن احداث شده بود. این خط دارای سیل‌بندی به عرض ۲/۵ و به ارتفاع ۴ متر و دارای مواضع پیاده، کانال موصلاتی و مواضع تانک بود. خط‌های سوم، چهارم و پنجم نیز تا نهر دو عیجی و نهر جاسم به همین شکل و با پیچیدگی بیشتر، آرایش دفاعی دشمن را تشکیل می‌دادند. رده ششم و هفتم مواضع دفاعی شامل کانال زوجی و مثلی‌های غرب کانال زوجی بود. علاوه بر آن، محورهای کانال ماهی و پاسگاه بوبیان نیز هر کدام به نسبت از استحکامات ایجاد شده و هوشیاری و حساسیت دائمی دشمن به تحرکات نظامی ایران برخوردار بودند و لذا شکستن خطوط دفاعی منطقه شلمچه و عبور از این مواضع پیچیده، غیر قابل تصور تلقی می‌شد، به ویژه اینکه دشمن با در اختیار داشتن دکل‌های بلند دیده‌بانی در غرب رودخانه اروند، هرگونه تردد نیروهای خودی را زیر نظر و کنترل داشت. اقدامات بازدارنده و تدافعی ارتش عراق به این موارد بسنده نکرده و نقاط اصلی و مهم زمین شلمچه شماره‌گذاری شده و ادوات، تیر بارها، توپخانه و... هر کدام هنگام حمله رزمندگان نقاط مشخصی را تحت اجرای انبوه آتش قرار می‌دادند. مسلح شدن زمین شلمچه در سال‌های ۱۳۶۱-۲ صورت کامل پیدا کرد و به مرور زمان بر پیچیدگی و گستردگی آن افزوده شد و آسیب‌های احتمالی آن نیز مورد ارزیابی قرار گرفته و رفع گردید. فرماندهان نظامی ایران با مشاهده موانع، خطوط دفاعی و استحکامات در زمین شلمچه، به رغم استراتژیک بودن آن مجبور بودند از ریسک حمله و پذیرش تلفات خودداری کنند.

۵) عملیات‌های کربلای ۴ و ۵: در عملیات کربلای ۴، زمین شلمچه به عنوان یک جناح عملیات انتخاب شد و در آن یگان‌های سپاه وارد عمل شدند و به موفقیت نیز رسیدند، اما مرکز ثقل عملیات در جزیره مینو و جزایر واقع در رودخانه اروند در مقابل شهر بصره بود که با عدم الفتح در این محور، از موفقیت بدست آمده در شلمچه نیز صرف‌نظر شد. پس از کربلای ۴ و در حالی که عراق تصور می‌کرد عملیات سالانه و سنتی ایران در زمستان سال ۶۵ پایان یافته، اما در میان نگرانی و نابسامانی ناشی از عدم الفتح کربلای ۴، نیز شرایط سخت سیاسی و اقتصادی کشور و نیز نگرانی ا پراکنده شدن نیروهای حاضر در جبهه، فرماندهان سپاه تصمیم گرفتند در زمین شلمچه عملیات جدیدی را انجام دهند. موانع، استحکامات و مسلح بودن زمین، جرأت لازم را از هر فرماندهی سلب می‌کرد که برای عملیات به شلمچه فکر کند. اما عملیات کربلای ۵ به تشخیص محسن رضایی فرمانده سپاه و موافقت توام با تردید و نگرانی آقای هاشمی رفسنجانی و همراهی توام با خوف و رجاء سایر فرماندهان سپاه، در مورخ ۱۹ دی ۱۳۶۵ کلید خورد و پس از ۱۶ روز درگیری سنگین و نبردهای تن به تن، ارتش عراق سنگین‌ترین شکست تاریخ جنگ را

پذیرا شد و مرحله به مرحله و گام به گام، از زمین‌های مسلح و پرمناقب‌نشینی کرد و به پشت دوعیجی و کانال زوجی رفت. در عملیات کربلای ۵ و زمین شلمچه، عراق به شکست نظامی (و نه شکست عملیاتی) تن دادند و در پی آن بار دیگر موازنه نظامی و سیاسی همچون پس از فتح خرمشهر به ضرر رژیم بعث و به نفع جمهوری اسلامی، رقم خورد و رژیم عراق در آستانه شکست کامل در جنگ قرار گرفت. تصویب قطعنامه ۵۹۸ در شورای امنیت سازمان ملل بیش از هر عامل دیگر ریشه در تحولات صحنه نبرد در شلمچه و در عملیات کربلای ۵ دارد. آمریکا پس از تصویب قطعنامه ۵۹۸ از استراتژی ادعایی بی‌طرفی خارج شد و به مداخله مستقیم نظامی در جنگ عراق و ایران رو آورد و تلاش کرد علاوه بر کمک کارشناسی و دادن اطلاعات بیشتر به عراق، در خلیج فارس به حمایت از عراق به درگیری نظامی با ایران مبادرت ورزد و در عرصه سیاسی و دیپلماتیک با تجمیع متحدین اروپایی و منطقه‌ای فشار بیشتری به ایران وارد آورد.

۶) بازپس‌گیری شلمچه توسط عراق: در خرداد ماه ۱۳۶۷، ارتش عراق پس از آنکه فاو را از دست نیروهای ایران خارج کرد، به شلمچه حمله کرد. نه برای عراقی‌ها و نه برای ایرانی‌ها، سقوط فاو در ۲۹ و ۳۰ فروردین ۱۳۶۷ باورکردنی نبود. عراقی‌ها بازگشت به فاو را یک رویا فرض می‌کردند و از سوی دیگر، فرماندهان سپاه از دست دادن فاو را عمدتاً به دلیل حضور یگان‌های خود در منطقه حلبچه می‌دانستند، اما حمله عراق به شلمچه و عقب‌نشینی رزمندگان سپاه و بسیج از شلمچه، تحول جدید در صحنه نبرد را قطعی ساخت و معلوم شد که جنگ طولانی، وارد مرحله جدیدی شده و احتمالاً به پایان خود نزدیک شده است.

۷) مقطع پایان جنگ: در روزهای اول تا سوم مرداد ۱۳۶۷ عراق یک بار دیگر از محور شلمچه به طرف خرمشهر و به عملیات مبادرت کرد و توانست تا نزدیک شهر پیشروی کند، اما این بار خون رزمندگان بسیجی و فرماندهان سپاه به جوش آمد و امام سرنوشت آنان و سازمانشان را با مقاومت و عقب راندن ارتش عراق گره زد و (نقل به مضمون) فرمود: «در اینجا (شلمچه) یا سپاه یک سپاه ذلیل می‌شود یا یک سپاه زنده، از هیچ کس هیچ چیز پذیرفته نیست»، در پی تجاوز مجدد عراق و پیام امام، یکبار دیگر در شلمچه توازن برقرار شد و ارتش عراق بر اثر مقاومت سپاه و بسیج مجبور به عقب‌نشینی شد و جنگ پایان یافت. در شلمچه، هم‌چنین فرماندهان بزرگی از سپاه پاسداران همچون؛ حسین خرازی فرمانده لشکر ۱۴ امام حسین(ع)، اسماعیل دقایقی فرمانده لشکر ۹ بدر، یدالله کلهر جانشین لشکر ۱۰ سیدالشهداء و نیز حجت الاسلام و عبدالله میثمی به شهادت رسیدند. هم‌چنین از راویان مرکز مطالعات که در طول دوران جنگ در کنار و هم‌پای فرماندهان به روش میدانی، به ثبت و ضبط تاریخ جنگ می‌پرداختند، برخی به شهادت رسیدند: محمد اسحاقی، علی فتحی، محمد رضا ملکی و حسین جلالی، این ۴ نفر راوی در عملیات کربلای ۴ و ۵ به شهادت رسیدند. علاوه بر این، راویان دیگری که تحمل نقش راوی برای آنها سخت شد، در نقش رزمنده وارد یگان‌ها شده و در شلمچه به شهادت رسیدند؛ از آن جمله می‌توان به محمد گرکانی، حمید صالحی، سید محمد امیدی مقدم و محسن فیضی اشاره کرد؛ روان‌شان شاد و راهشان پر رهرو باد.